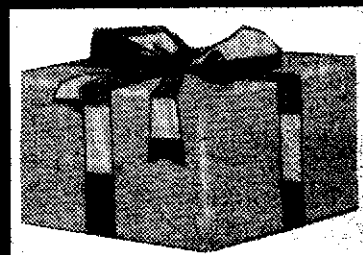


اگر شما رئیس جمهور شوید...؟

دوره هفتمین انتخابات ریاست جمهوری



انتخابات ریاست جمهوری مهم ترین حادثه‌ای است که هر چهار سال یک بار در حیات سیاسی-اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی ملت ما اتفاق می‌افتد. برای درک اهمیت این انتخابات، باید نخست اهمیتی را که قانون اساسی برای مقام ریاست جمهوری ایران تعیین کرده، مد نظر قرار داد. اصل یکصد و سیزدهم در این باره صراحت دارد:

«پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را به جز در مواردی که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد»

پس از انقلاب، انتخابات ریاست جمهوری همواره متأثر از شرایط ویژه بعد از انقلاب و نیز فضای حاکم بر محیط کشور که با مشکلات جنگی طولانی درگیری داشت، بوده است. از سوی دیگر، قبل از بازنگری در قانون اساسی (مرداد ۱۳۶۸) وجود پست نخست‌وزیری، دایره مسئولیتها و اختیارات رئیس جمهور را نسبت به اکنون محدود کرده بود. به دلیل تغییر شرایط عمومی کشور و حذف پست نخست‌وزیری، اکنون رئیس جمهور بنا به تعریف قانون اساسی که در دستور فوق آورده شد، در اداره امور کشور مسئولیتی بسیار خطیر دارد. البته به موازات این مسئولیت، اختیارات و امکانات فراوانی نیز برای این مقام پیش‌بینی شده است که مواردی از آن را می‌توان در فصل نهم قانون اساسی ملاحظه کرد.

چنین اختیارات و مسئولیت‌هایی ایجاب می‌کند رأی دهندگان علاوه بر اطمینان به پایبندی و تعهد نامزدهای احزاب این مقام به مواردی که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته، از میزان دانش،

توانمندی اجرائی و آشنائی ایشان به مسائل و مشکلات داخلی و نیز مقتضیات اداره کشور در جهان پرتلاطم کنونی آگاهی کامل داشته باشند تا بتوانند وظیفه خود را در «انتخاب اصلح‌ترین فرد» ایفا کنند. این آگاهی‌ها برای رأی دهندگان حاصل نمی‌شود مگر آنکه نامزدهای شرکت‌کننده در انتخابات ریاست جمهوری به ارائه نظریات خود پیرامون مسائل جاری (در زمینه‌های سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و اجتماعی و...) مبادرت کنند. آنها همچنین بآید خط مشی برنامه‌ها و راه-کارهایی را که در صورت انتخاب برای حل معضلات موجود، و سوق دادن کشور به جلو، و به مسیر پیشرفت به آنها توسل خواهند جست در معرض افکار عمومی قرار دهند.

اگر برای چنین کارهایی در گذشته ضرورت چندانی احساس نمی‌شد، و با شرایط کشور (بحرانهای پس از انقلاب و دوره جنگ) مجال پرداختن به این ضرورتها را نمی‌داد، اما اکنون هم به دلیل وسعت یافتن دایره اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور، و هم به لحاظ شکل فضای سیاسی کشور، و سرانجام برای سپردن سکان اداره امور اجرائی ایران به دست با کفایت‌ترین و متعهدترین فرد، لازم است زمینه آشنائی رأی دهندگان را با افکار، برنامه‌ها و دیدگاههای نامزدهای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری فراهم سازیم.

بسیترین مسئولیت در این زمینه بر عهده رسانه‌های عمومی، و از جمله مطبوعات است. «گزارش» در انجام این «مسئولیت»، و با توجه به خط مشی خود (عدم وابستگی به گروه‌های سیاسی و رعایت استقلال حرفه‌ای) مبادرت به طرح ده پرسش از کاندیداهای حاضر در صحنه هفتمین انتخابات ریاست جمهوری کرد. پرسشها به صورت مکتوب و به شرح زیر در اختیار تمام نامزدهایی که تا زمان بستن صفحات این شماره (دهه سوم فروردین) نامشان به عنوان نامزدهای قطعی اعلام شده بود قرار گرفت.

بعد العنوان... و پس از ذکر مقدمه‌ای برای تشریح هدف ماهنامه...

«... به این نتیجه رسیدیم که فرصتی فراهم آوریم تا کاندیداهای محترم مستقیماً عقاید و برنامه‌های خود را با این گروه از خوانندگان (و رأی دهندگان) در میان بگذارند. لذا ذیلاً چند پرسش مطرح شده است

که امیدواریم جنابعالی علی‌رغم مشغله فراوان، با ارائه پاسخ‌های لازم، برای این گروه از رأی دهندگان فرصتی فراهم آورید تا با آگاهی کامل به دادن رأی به کاندیدائی که برنامه‌های وی را برای کشور مفیدتر می‌دانند، اقدام کنند.

۱- اوضاع اقتصادی کنونی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ روند امور در بخش‌های صنعت-کشاورزی و خدمات مطلوب است و اگر نیست مهم‌ترین کاستی‌ها از نظر شما کدام‌هاست؟ برای رفع این کاستی‌ها چه برنامه‌ها و اقداماتی را ضروری می‌دانید و در اولویت قرار می‌دهید؟

۲- آیا به ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه باور دارید؟ اگر جواب آری است کدام عوامل را موجب ژرف شدن این شکاف می‌دانید و برای ایجاد عدالت اقتصادی چه برنامه‌هایی را اجرا خواهید کرد؟

۳- طبقاً قانون برنامه دوم باید تا پایان دوره پیش‌بینی شده اجرا شود، اما در پایان این دوره جنابعالی در صورت انتخاب باید سومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کنید. آیا می‌بانی آن برنامه هم مشابه می‌بانی برنامه‌های اول و دوم خواهد بود یا در خط مشی برنامه ریزی برای کشور تجدید نظر خواهید کرد؟

۴- بخش خصوصی معتقد است بهترین فرصت‌های تولید و تجارت و همچنین خدمات را دولت به خود اختصاص داده است. آیا این داورى مورد قبول حضرت‌تعالی هست؟ آیا بخش خصوصی نمی‌تواند بیش از میزان کنونی در اقتصاد کشور ایفای نقش کند؟ آیا کم‌تر کردن حجم دخالت مستقیم دولت در امور اقتصادی به صلاح است یا خیر؟ تعریف جنابعالی در مورد بخش خصوصی چیست؟ آیا بخش خصوصی را فقط در بازار و سرمایه‌داری سنتی خلاصه می‌دانید، یا این بخش را شامل همه فعالان و کارآفرینان در بخش غیردولتی می‌دانید؟

۵- برای مهار تورم و ثبات بخشیدن به ارزش پول ملی چه برنامه‌هایی دارید؟

۶- توسعه صادرات غیرنفتی به میزان پیش‌بینی شده در برنامه دوم تحقق نیافته و اقتصاد ایران همچنان و عتدلاً متکی به درآمدهای ناشی از فروش نفت خام است. علت این ناکامی در چیست؟ برای

افزایش میزان صادرات غیرنفتی چه راه کارهایی را در اولویت قرار می‌دهید؟

۷- در دوره چهار ساله ریاست جمهوری آینده، ایران باید در مورد پیوستن به WTO (سازمان تجارت جهانی) تصمیم بگیرد. شما موافق پیوستن به این پیمان هستید یا مخالف آن. به چه دلایلی؟

۸- ورود تصاعدی جمعیت جوان به بازار کار و نبود فرصت‌های شغلی، مسأله بی‌کاری در کشور ما را به سوی حالت بحرانی پیش می‌برد. برای مقابله با این معضل چه برنامه‌هایی دارید؟

۹- مسکن نیز بحران رو به تشدید است. در این مورد چه برنامه‌هایی دارید؟

۱۰- جامعه ما هنوز به یک برنامه با ثبات فرهنگی نرسیده است. تنش‌های اجتماعی و اجرایی برنامه‌های شتاب آلوده اقتصادی مانع از برنامه‌ریزی جامع برای امور فرهنگی شده است و به همین دلیل اقتضای مختلف با بلاتکلیفی و سردرگمی در زمینه امور فرهنگی مواجهند. (مثلاً میزبان کتاب هر چند گاه یکبار دستخوش تغییرات سلیقه‌ای می‌شود یا در امری نظیر حجاب با برنامه‌های دائم‌التغییر و اعمال

سلیقه‌های گوناگون مواجه هستیم و...). برای تدوین یک برنامه جامع فرهنگی که هم به بلاتکلیفی موجود خاتمه دهد و هم فضای فرهنگی کشور را برای شکوفائی استعدادهای بالقوه فعالان فرهنگی مساعد سازد چه برنامه‌هایی دارید؟

اکثریت نامزدهایی که مورد پرسش قرار گرفته بودند مبادرت به ارائه پاسخ کردند که در صفحات آتی از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

در این میان با کمال تأسف حجاج اسلام آقایان علی اکبر ناطق نوری و محمد محمدی ری‌شهری از ارائه پاسخ به پرسش‌های ماهنامه خودداری کردند. دلیل چیست؟ ما نمی‌خواهیم داوری کنیم. فقط برای اطلاع خوانندگان و اکثس ستادهای انتخاباتی ایشان را اجمالاً ذکر می‌کنیم.

۱- ستاد انتخاباتی حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری از همان ابتدا عدم تمایل به ارائه پاسخ‌ها را بی‌هیچ پرده‌پوشی بروز داد.

۲- اعضای ستاد انتخاباتی حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری هم با عذر این که ایشان در سفر حج هستند از ارائه پاسخ خودداری کردند.

در پایان لازم می‌دانیم چند نکته را برای آگاهی خوانندگان محترم مورد تأکید قرار دهیم.

۱- درج نظریات نامزدها نباید به منزله موافقت و همدلی ماهنامه با کسی تعبیر شود. ما به شعور سیاسی مردم ایران و بویژه طیف خوانندگانمان ایمان داریم و می‌دانیم خود قادرند تصمیم صحیح و خدایسندانه را هنگام انداختن رأی خود به صندوق بگیرند.

۲- برای رعایت بی‌طرفی کامل پاسخ‌ها را به ترتیب حروف الفبا و یا مبنای قرار دادن حرف اول نام فامیل نامزدها درج کرده‌ایم.

۳- با این که چاپ پاسخ‌ها و اختصاص دادن صفحاتی به هفتمین انتخابات ریاست جمهوری برای «گزارش» که هیچگونه کمکی از هیچ دستگاه دولتی یا غیردولتی دریافت نمی‌کند، مستلزم تحمل هزینه‌هایی بوده، معهدا دبیری از هیچ کدام از نامزدها دریافت نکرده‌ایم، و متوقع هم نبوده‌ایم، زیرا این گونه آگاهی‌دهی و اطلاع‌رسانی به مردم را جزو وظایف اولیه روزنامه‌نگاری می‌دانیم.

پاسخهای آقای دکتر حبیب‌الله پیمان

۱- اقتصاد کشور جدا از مشکلات ریشه‌ای که از ادوار قبل بر جای مانده، زیر سلطه سرمایه‌داری دلال و غارتگر و در چارچوب سیاست توسعه صادرات، بحران زده بنظر می‌رسد. دولت بدون فراهم کردن شرایط و مقدماتی که برای بروز ابتکارات و نوآوری در تولید ضروری است و فراهم کردن امنیت و ثبات برای سرمایه‌گذارهای دراز مدت در صنعت، اقتصاد کشور را تحت عنوان توسعه صادرات و تعدیل اقتصادی، در جهت ادغام در بازار سرمایه‌داری جهانی هدایت کرد. و بی‌آنکه تواناییها و منابع مادی و انسانی داخلی لحاظ گردد، تولید و عرضه کالا در بازار جهانی و تهیه مایحتاج داخلی از این بازار هدف اصلی قرار داده شد. در نتیجه بعد از اجرای دو برنامه پنج ساله جز انجام یک رشته اقدامات عمرانی که ارتباط مستقیمی با سیاست مزبور ندارند به هیچیک از هدفهای مورد نظر نرسید و تنها عوارض سوء آن دامنگیر اقتصاد کشور و زندگی اجتماعی و مادی و فرهنگی مردم گردید.

جدا از نادرستی سیاست مزبور یک دلیل عمده مشکلات اقتصادی کشور تسلط انحصارطلبانه

سرمایه‌داری دلال تجاری بر مراکز تصمیم‌گیری، منابع مالی و نهادهای سیاسی و اقتصادی و نظامی است که با کارکرد خود و سلب امنیت از سرمایه‌گذاری در تولید،



آقای دکتر حبیب‌الله پیمان

اجازه تحرک و رشد به صنعت فرسوده کشور نمی‌دهد. مقررات و مصوبات براساس منافع یک قشر اشرافی و دلال جدید تنظیم و پیوسته تغییر می‌کند و

مانع از ایجاد ثبات و اطمینان و برقراری حاکمیت قانون و نظارت نهادینه مردم که لازمه توسعه اقتصادی است می‌گردد. آشفتگی و بی‌نظمی موجود در کلیه امور و ناپایداری سیاستها، بی‌ایمانی و بی‌اعتمادی همه ناشی از آن است که استراتژی‌ها و سیاستهای روشن، یکپارچه، تحقق‌پذیر و منطبق با شرایط، طراحی نمی‌شود. غالب تصمیم‌گیرها ناشی از اراده مدیران و نه یک تحلیل علمی-کارشناسی مبتنی بر ظرفیتهای و شرایط پیچیده فعلی است. البته زمانی که منافع کارگزاران عمده اقتصادی مطرح باشد به طور جدی از منافع خود پاسداری می‌کنند.

در هر یک از زیر بخش‌های اقتصادی، میلیاردها ریال و دلار از کانال بودجه دولتی و تسهیلات بانکی سرمایه‌گذاری می‌شود در حالی که حلقه‌های ارتباطات میان و درون‌بخشی برقرار نشده است. در بخش کشاورزی، زراعت با دام هماهنگ نیست و غذای آن را تأمین نمی‌کند، دام با جنگل و مرتع هماهنگ نیست و به منابع طبیعی صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد و... بخش صنعت کمترین ارتباط را با بخش کشاورزی دارد در نتیجه سالانه

ویژه هفتمین انتخابات ریاست جمهوری